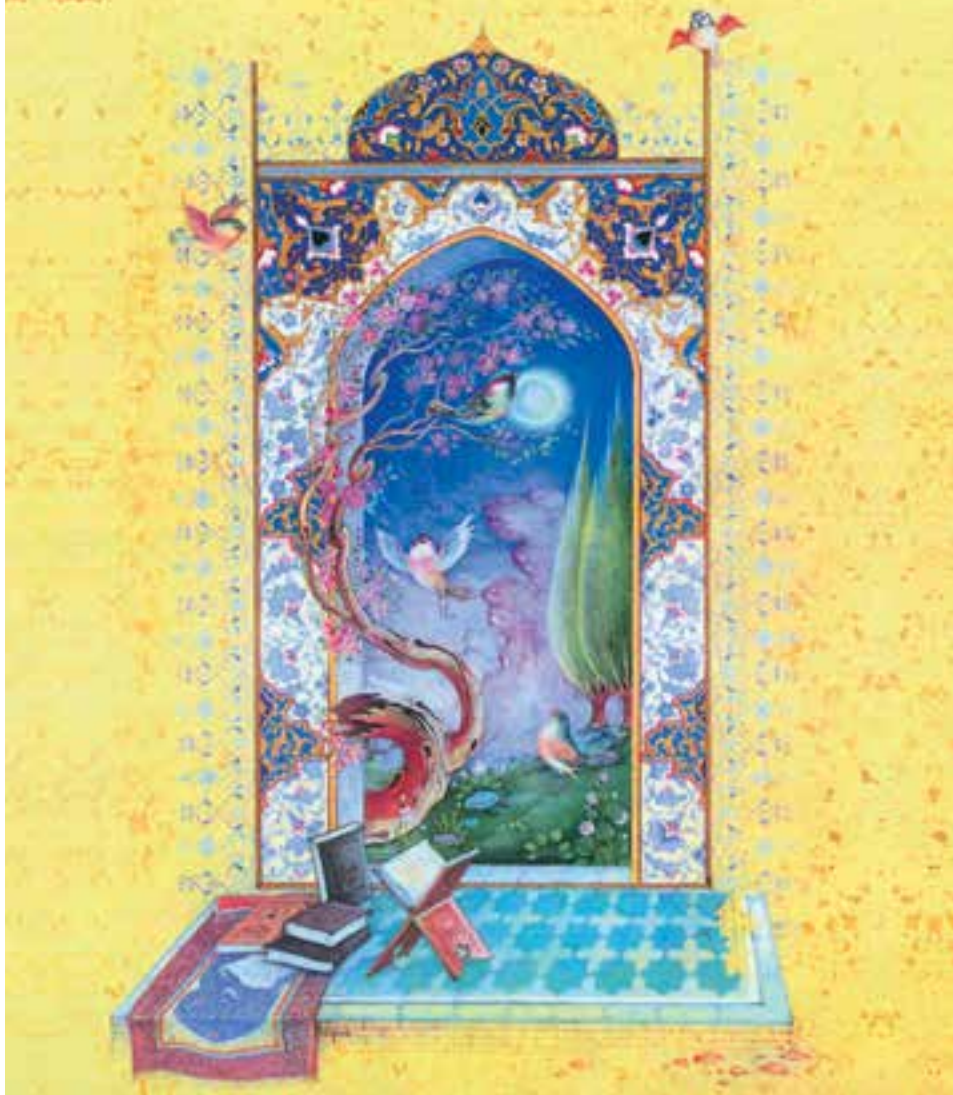


فصل پنجم: انواع ادبی (۲)

اهداف کلی فصل:

۱. آشنایی با جلوه‌هایی از ادب غنایی و تعلیمی
۲. آشنایی با نمونه‌هایی از ادبیات غنایی و تعلیمی
۳. آشنایی با برخی از بزرگان ادبی از نظرگاه غنایی و تعلیمی
۴. توانایی انجام فعالیت‌های یادگیری



ادبیات غنایی

ادبیات غنایی گونه‌ای از ادبیات است که بازبانی نرم و لطیف، با استفاده از معانی عمیق و باریکت، بر بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد و بیاگر عواطف و آرزوهای انسان و غم‌ناو شادی‌های اوست. کلمه‌ی «غنا» در اصطلاح به معنی موسیقی است و شعر غنایی در اصل همراه با موسیقی خوانده می‌شده است. آن‌ها در حقیقت، دامن‌های آن بسیار گسترده‌تر است و همه‌ی احساسات کوناگون انسانی از قبیل احساسات عاشقانه، ندیسی، عرفانی، مدح، هجو، وصف طبیعت و جامعه و مسائل شخصی مانند غم غربت، شکایت از زندان، مرثیه‌ی عزیزان و نظایر آن را در بر می‌گیرد. بنابراین، بخش عمده‌ی ادبیات ما را شعر غنایی تشکیل می‌دهد. رباعیات خیام، دویتی‌های باباطاهر، غزلیات مولوی، سعدی، حافظ، صائب و بیدل، منظومه‌های بزمی نظامی، و بخشی از سروده‌های قصیده‌سرایان مشهور مانند فرخی، منوچهری، عنصری، خاقانی و نیز عمده‌ی سروده‌های معاصر از نوع ادبیات غنایی است.

نظامی کجای شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری معروف ترین سراینده‌ی داستان های بزی
 در ادب پارسی است. نمه یا پنج کنج او (مخزن الاسرار، خرد و شیرین، لیلی و مجنون، بهشت پیکر و
 اسکندر نامه) از قرن هفتم تا به امروز بارها مورد تقلید شاعران ایرانی، هندی و ترک قرار گرفته است.
 شعر برگزیده‌ای ازثنوی عاشقانی لیلی و مجنون است. آن جا که مجنون از غم عشق لیلی سس بر کوه و
 بیابان نناده است و پدر مجنون در غم فرزند پریشان حال در جست و جوی او بر می آید و می خواهد او را از غم
 درو دیوانگی و آوارگی برساند.

مرد دل سوزی پدر و نصیاح و چاره جویی های او کوازه اضطراب و عظمت پدرانی اوست اما
 آتش عشق مجنون، سرکش تر از آن است که پذیرد نیک خواهی حتی پدر، آن را فرو نشاند. پدر در می ماند
 خویشان به بیاری اشس بر می خیزند و از اومی خوابند که مجنون را به زیارت کعبه برد. شاید غنایت الهی
 کرده گشای دروا شود اما در جوار کعبه نیز مجنون طول عیر لیلی را که تنها آرزوی اوست - از خدای خواهد و دیگر هیچ!

از کعبه گشاده کرد داین در

چون رایت* عشق آن جهان گیر	شد چون مه لیلی آسمان گیر
برداشته دل ز کار او بخت	در ماند پدر به کار او سخت
خویشان همه در نیاز با او	هر یک شده چاره ساز با او
بیچارگی و را چو دیدند	در چاره گری زبان کشیدند
گفتند به اتفاق یک سر	کز کعبه گشاده کرد داین در

حاجت که جلدی جهان اوست
چون موسم حج رسید، برخاست
فرزند عزیز را به صد جمد
آمد سوی کعبه، سینۀ پر جوش
گفت ای پسر این نه جای بازی است
گو، یارب از این کزاف کاری*
دریاب که بتلای عشقم
مجنون چو حدیث عشق بشنید
از جای چو مار حلقه بر جفت
میگفت، گرفته حلقه در بر
گویند ز عشق کن جدایی
پرورده‌ی عشق شد سرشتم
یارب به خدای خدایت

محراب زمین و آسمان اوست
اشتر طلبید و محل* آراست
بنشانند چو ماه دیکلی مند*
چون کعبه نهاد حلقه در کوشش
بشآب که جای چاره سازی است
توفیق دهم به رستگاری
آزاد کن از بلای عشقم
اول بگریست پس بخنجدید
در حلقه‌ی زلف کعبه زد دست
کامروز منم چو حلقه بر در
این نیست طریق آشنایی
جز عشق مباد سرنو شتم
وان که به کمال پادشایت

کز عشق به غایتی* رسانم کاو ماند اگر چه من نانم
 گرچه ز شراب عشق مسم عاشق تر از این کنم که مسم
 از عمر من آن چه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای
 می داشت پدر به سوی او گوش کاین قصه شنید، گشت خاموش
 دانست که دل، ایر دارد دروی نه دواپذیر دارد

(لیلی و مجنون نظامی)

توضیحات:

۱. وقتی آوازه‌ی عشق مجنون چون زیبایی لیلی در جهان پیچید. رایت : علم آسمان گیر شدن علم : برافراشته شدن علم. مه : مخفف ماه، منظور چهره‌ی لیلی است.
۲. برای چاره‌جویی به گفت‌وگو پرداختند. زبان کشیدند : سخن گفتند.
۳. در روزگاران قدیم، غلامان حلقه‌ای را که نشان مالکیت صاحبشان بود، در گوش داشته‌اند. در این‌جا، پدر مجنون چون غلامی به خانه‌ی خدا متوسل شده است. در ضمن به حلقه‌ی در کعبه نیز اشاره دارد.

خودآزمایی:

۱. مجنون در جوار کعبه از خدا چه خواست؟
۲. کدام بیت، از خود گذشتگی مجنون را نشان می‌دهد؟
۳. کدام ویژگی شعر غنایی در این درس دیده می‌شود؟
۴. دو نمونه تشبیه در درس بیابید و اجزای آن را معلوم کنید.